



پیام تسلیت بمناسبت در گذشت صفر قهرمانی

با کمال تأسف مطلع شدیم که صفر قهرمانی، یکی از هزاران مبارز راه آزادی و برابری، روز یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۱ بدرود حیات گفته است.

صفر قهرمانی یکی از فرزندان مبارز آذربایجان بود که بیش از ۳۲ سال از عمر خود را در زندان های مخوف رژیم ستم شاهی گذرانده و ۲۴ سال با محدودیت های رژیم جمهوری اسلامی به سر برده بود.

صفر قهرمانی نمونه و یادگاری بود از هزاران انسان مبارز و زحمتکش خلق آذربایجان که بعد از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ به کمک امپریالیسم امریکا و انگلیس و بدست دژخیمان شاه بجرم آزادی خواهی و حق تعیین سرنوشت قتل عام شدند.

فدائیان کمونیست، درگذشت صفرخان، این انسان مقاوم و مبارز را به بازماندگان وی و همچنین به مردم مبارز ایران و بویژه مردم آذربایجان تسلیت می گوید.

تردیدى نداریم که مبارزات ۱۰۰ ساله کارگران و زحمتکشان ایران، علیرغم تلفات سنگین سرانجام به پیروزی قطعی نائل خواهد آمد.

دفتر سیاسی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۳۰ - ۸ - ۱۳۸۱
* * * * *

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اعدام ملغی باید گردد

داور

این روزها اتفاقات معمول در جمهوری اسلامی اعتراضات توده ای وسیعی را بدنبال خود می آورد. خروش و حرکات اعتراضی بر علیه حکم ارتداد نشان از عمق بحران و مسائل حل نشده چندین ساله جامعه در زیر سلطه رژیم های دیکتاتوری شاهان و شیخ هاست که جنبش های مردمی در راه نیل به دمکراسی و آزادی و حکومت مردمی سرکوب گردیده اند، با این حال جنبش های مردمی در بستر خود، جامعه را تحت تأثیر قرار داده و در دوره های بعدی، حرکتها و خواسته های جنبش توده ای مترقی تر شده و با تحمل سرکوب های وحشیانه و نابودی نهادها و تشکلهای مردمی و کشتار و قتل عام مبارزان و آزادیخواهان بی شمار، دوباره، مردم ارگانهای خود را بوجود آورده اند و حتی توانسته اند، مدتها توسط نهادهای انقلابی تأثیرات مهمی در وضعیت سیاسی و اداری جامعه بوجود آورند.

* * * * *

صفحه ۵

صفحه ۶

صفحه ۶

اطلاعیه های سازمان

اخبار کارگری

اخبار داخلی

حکم ارتداد در "دادگاه تفتیش عقاید" جمهوری اسلامی

آغاچری عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به اتهام توهین به مقدسات و نفی ضروریات دین و توهین به روحانیت ، به ۷۴ ضربه شلاق ، ۱۰ سال محرومیت از تدریس در کلیه دانشگاه های کشور، توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی مرتد شناخته شد و توسط شعبه ۱۴ دادگاه عمومی همدان به حاکم شرعی رضانی حکم اعدام برای وی صادر گردید.

این همه حکم در مورد یک سخنرانی رسمی و برای یکی از اعضای ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و استاد دانشگاه تربیت مدرس ، معلول جنگی و از سربازان امام زمان، تعجب آور و مشکوک بنظر می رسد. در ثانی معلوم نیست، با این همه حکم می خواهند چکار کنند و اول کدام را به اجرا بگذارند. احکام صادره آنقدر مسخره است که نگاه ها را متوجه توطئه و یک بازی خطرناک می کند. احتمالاً ، صادر کنندگان این احکام عکس العمل جامعه و افکار عمومی را در نظر نگرفته بودند و می خواستند مردم سالاری دینی و رعایت ظاهری فرجام خواهی، استقلال و عدالت قوه قضائیه را نشان دهند.

برای همین حکم، پشت سر هم ردیف کردند تا در دادگاه فرجام احکام صادره را مورد تجدید نظر قرار دهند و راهی برای توطئه های بعدی باز کنند. چرا که اگر رژیم در صدد اجرای حکم اعدام در این مورد خاص بود، از شیوه هائی که در مورد دیگران عمل می شد، عمل می کرد. این حکم و نحوه برخورد با آن آنقدر آبیکی است. انسان را به ریاکاری ها و دست های

نهان در پشت پرده متوجه می سازد. در ثانی رژیم جمهوری اسلامی این نوع اتهام را بصورت مجرد منتشر نمی کرد و معمولاً با چاشنی های محارب ، کافر، منافق، مفسد فی العرض و . . . همراه با پرونده سازی و از قبیل انبار اسلحه ی سرد و گرم ، آر پی جی ، یک سری نشریات الهادی ، عامل بیگانه و جاسوس و . . . همراه می ساخت و یک حکم بیشتر نداشت و آن نیز اعدام بود. قتل عام های سالهای قبل بخصوص قتل عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ شاهد ماست و افرادی به جوخه های اعدام فرستادند که از سوسیالیسم و کمونیست در مقابل اسلام دفع می کردند و یا افرادی به خاطر نخواندن نماز ۰ حکم ارتداد در مورد آنان صادر و بلافاصله اعدام شدند، نه دادگاهی بود و نه هیأت منصفه و نه وکیل، حکم از قبل توسط خمینی صادر شده بود و فقط احتیاج به اقرار داشتند. رژیم

در این موارد یک حکم به چند اتهام می دهد ولی حالا در مورد آغاچری برعکس عمل می شود و اتهام را ریز کرده و برای هر کدام حکم جداگانه صادر می شود و برای متهم اجازه فرجام خواهی می دهند. حکم ارتداد آغاچری آنقدر شک بر انگیز بود که اعتراضات مردمی را بدنبال خود داشت و انزجار افکار عمومی از این حکم و اعتراضات بین المللی، بخصوص حرکت اعتراضی دانشجویان شکاف عمیقی در سران رژیم بوجود آورد و بازی حکم ارتداد در مردم سالاری اسلامی را با

صفحه ۲

حکم ارتداد در "دادگاه تفتیش عقاید" جمهوری اسلامی

مشکل جدی روبرو ساخت و آنچه که مسلم است آغازی قربانی اول این توطئه شد. اعتراضات دانشجویی دست اندرکاران رژیم را سراسیمه ساخت و هر کدام برای توجیه عملکرد خود رازهای نه چندان مخفی را دوباره رو کردند. بطوریکه در مورد حکم اعدام آغازی آیت اله نمازی در مصاحبه با واحد مرکزی خبر، درج شده در روزنامه کیهان مورخه ۲۶ آبان می گوید: "روزانه احکام بسیاری مانند این پرونده صادر می شود، که قانون برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق طرفین راهکارهای لازم را پیش بینی کرده است." وی می افزاید: "شخص محکوم می تواند با درخواست تجدید نظر اعتراض کند و اگر در این مرحله نیز حکم تأیید شد می تواند از دادستان کل کشور تقاضای اعمال ماده ۲۳۵ کند." منظور نمازی از پرونده های زیاد، همان احکام اعدام به جرم ارتداد است که تعدادی نیز بدون اعلام اعدام می شوند. روز سه شنبه ۱۴ آبان ماه در کردستان ایران دو نفر به اسامی "مصطفی جولان" و شخصی بنام "علی کاک جلیل" اهل روستای بلچه سوار میوان در زندان سپاه پاسداران این شهر به اتهام توهین به مقدسات بدون هیچ محاکمه ای اعدام گردیدند. قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بر اساس احکام ارتداد و کفر و با فتوای خمینی و با حمایت همه جانبه باندهای رژیم اسلامی صورت گرفت و کشتار بیرحمانه تا جائی ادامه یافت که منتظری به صدا درآمد و به بعضی از احکام صادره اعتراض کرد. روح اله حسینیان رئیس اسناد انقلاب اسلامی در نامه سرگشاده ای به کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی از وجود چنین احکامی در زمان خمینی می گوید و به کربوبی یاد آور می شود که مگر کسانی از شما نبودند که در باره کسی اسرار به اعدام او داشتند. منظور حسینیان شیخ علی تهرانی از نزدیکان خامنه ای بود که به عراق فرار کرده بود و بعد به ایران برگشت. حسینیان از موضع گیری عجولانه کربوبی به خشم آمده و می گوید: "اگر جناب عالی حکم قاضی را ننگین نمی خواندید و از آن ابراز تفر و انزجار نمی کردید، نماینده گستاخ مجلس، قوه قضائیه را به مافیا موصوف نمی کرد." این قصه سر دراز دارد و اختلافات و کشمکش ها بدین جا ختم نخواهد شد و حرکت های مشترک مقطعی نیز نمی تواند بحران های همه جانبه را حل کند با توجه به بحران های سرمایه داری در ابعاد جهانی و مسائل منطقه ای، بیکاری، تورم، گرانی، ناامنی سیاسی و اجتماعی و رشد اعتراضات توده ای هرگونه اتحاد باندها را با شکست مواجه خواهد ساخت و رژیم را ناتوان تر از همیشه بطرف انشقاق بیشتر سوق خواهد داد.

تحركات بوجود آمده در جامعه، به دنبال خود افکار عمومی جهان را برعلیه رژیم واداشت. همه از اعلام آشکار این حکم سراسیمه شده و احزاب، سازمان ها، نهادها، افراد و اقشار مختلف بنا به موقعیت های خود در نزدیکی یا دوری از حاکمیت عکس العمل نشان دادند. که در جای خود قابل بررسی است. در این میان، باند دوم خردادی به عکس العملهای شتاب آلودی دست زد و کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی این حکم را ننگین خواند. خاتمی نیز در جواب به خبرنگار ایسنا در مورد اعدام آغازی می گوید: "هر چند نسبت به مطالب آغازی انتقاداتی وجود داشته است، اما باید مصالح کلی نظام را در تمامی موارد در نظر گرفت." خاتمی با صحبت دو پهلو از اعدام مرتدها حمایت می کند ولی اعلام علنی حکم با توجه به شرایط موجود و بر علیه آغازی از افراد دوم خردادی را مناسب ندانسته و این اقدام را موافق مصالح رژیم نمی داند.

اعتراضات وسیع دانشجویی نسبت به حکم ارتداد، جناح ولاتی را نیز به عکس العمل واداشت و جالب است که همه ی جناح ها حکم اعدام آغازی را غیر عملی دانسته و حل مسئله را به فرجام خواهی و بنوعی به فتوای خامنه ای ارجاع داده اند و بعضی ها نیز قبل از صدور حکم نسبت به عواقب بازی هشدار داده اند. نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها در نامه ای به هاشمی شاهرودی آورده است: "همانگونه که مستحضری در حالی که هنوز حکم مربوط به پرونده آقای آغازی، در حد شایعه بود در نامه ای جهت پیشگیری از برخی مسائل تقدیم حضرت عالی گردید مبنی بر اینکه علیرغم اذعان به موهن بودن برخی از اظهارات نامبرده، ضرورت دارد که توجه ویژه ای به این پرونده بشود." قدر مسلم آنست که همه ی باندهای رژیم نسبت به صدور حکم ارتداد اعتراضی ندارند و اعتراض آنان به شرایط صدور حکم است که می تواند رژیم جمهوری اسلامی را از هر لحاظ خلع سلاح کند و حرکت را غیر قابل توجیه سازد و در ثانی حکمی بر علیه فردی صادر شده است که از فعالان نیروهای دوم خردادی و نزدیک به خاتمی است.

همچنین روابط عمومی قوه ی قضائیه روز سه شنبه در باره حکم اعدام آغازی اطلاعیه ای صادر کرد که در بخشی از آن آمده است: "جای بسی شگفتی است که مدعیان دین داری، اهانت های آشکار و علنی به ساحت دین و ائمه معصومین (ع) و انکار مقام قدسی و الهی آنان را به استهزاء و سخره گرفتن احکام نورانی اسلام و... را آزادی بیان و اندیشه دانسته و برخورد قانونی، با بیان کننده این سخنان سخیف را "تفتیش عقاید" می نامند."

اتهام حاضر ماهیت مردم سالاری دینی را نشان می دهد و جالب این جاست هر نظری که خارج از مدارحی باشد سخنان سخیف ارزیابی می شود و از این بابت وارد شدن در مقوله دین و حکومت در حکم ابراز عقیده نیست و به عنوان ارتداد حساب می شود. همچنین در اطلاعیه روابط عمومی دادستانی آمده است: "از کسی که مدعی دین داری است ولی با انکار ضروریات دین از جمله نکاح و انکار اصل مسلم تقلید فقهای عظام و به میمون تشبیه کردن عمل تقلید مورد اغوای شیاطین واقع شده، می توان دفاع کرد؟ آیا بیان این اظهارات که بصورت متعدد توسط متهم در محضر دادگاه اقرار شده است، نمی تواند موجبات صدور چنین حکمی را از سوی قاضی مؤمن و متدین فراهم آورد؟" این دیدگاه ارتجاعی دامنه تعریف ضروریات دین از جمله نکاح و تقلید ولی امر مسلمین را هم ردیف اصول دین دانسته و برای دفاع از تقلید و روحانیت از حربه ارتداد در سرکوب مخالفان استفاده می کند.

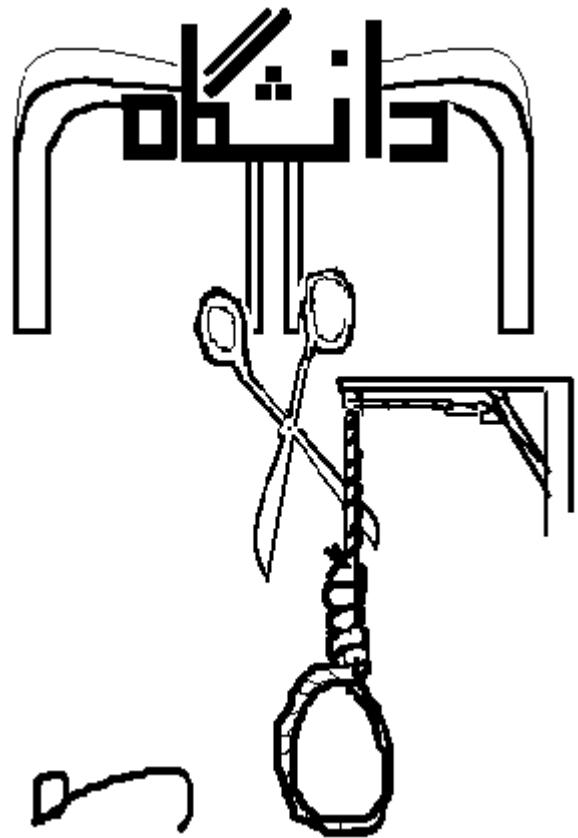
هر چند رژیم جمهوری اسلامی در بن بست بسیار تاریکی دچار آمده است ولی این بدان معنا نیست که رژیم به راحتی به واقعیت ها تسلیم خواهد شد و قدرت را در اختیار مردم خواهد گذاشت. بلکه رژیم می داند که دیگر با توهم نمی تواند به حکومت خود ادامه دهد و باید از نیروی سرکوب خود استفاده کند و با روی آوری به حربه پوسیده و شکننده خود، نیروهای شبه نظامی و اوپاش را به خیابان ها خواهد کشاند.

مبارزه علیه تفتیش عقاید و مبارزه برای الفا شکنجه و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی بیش از هر زمان ضرورت عینی پیدا کرده است. اعتراضات چند روزه اخیر دانشجویان و مبارزان سیاسی در داخل و خارج و تمامی مردم عرصه را به رژیم تنگ تر کرده است ولی بدون تشکل یابی و تداوم مبارزه همه جانبه برای دمکراسی و آزادی های بی قید و شرط سیاسی و الفا اعدام و شکنجه مبارزه در نیمه راه خواهد ماند و ارتجاع حاکم بار دیگر خود را تجدید قوا کرده و با راه انسدادی

حکم ارتداد در "دادگاه تفتیش عقاید" جمهوری اسلامی

نیروهای بسیجی و لباس شخصی ها و انصار و . . . تحت حفاظت نیروهای انتظامی و امنیتی جو سرکوب را در جامعه رواج خواهند داد و به شکار فعالان دانشجویی و دیگر نیروهای سیاسی خواهند پرداخت. تهدید خامنه ای به سرکوب اعتراضات چیزی جز دفاع از احکام قرون وسطائی ارتداد و دیگر احکام ارتجاعی نیست. تنها راه مقابله با تهاجمات گسترده آتی رژیم تشکل و سازماندهی مبارزات توده ای و تبدیل مبارزات به یک جنبش توده ای است که می توان جلوی تهاجم رژیم را گرفت و با حرکات انقلابی رژیم باندهای مافیا را به عقب نشینی وادار و زمینه سرنوشتی آن را مهیا ساخت.

* * * * *

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد.****شکنجه و اعدام ملغی باید گردد**

ادامه از صفحه ۱

مسئله مهمی که جامعه ما در دوران تاریخی روبرو بوده و پشت سر هم تکرار شده، ساختار سیاسی و ایدئولوژیک مسلط بر جامعه بوده و توانسته توده های مردم را از راه خود گمراه کند. در ثانی نقش مذهب و بخصوص نقش روحانیت در چند سال اخیر را نمی توان نادیده گرفت. روحانیت با استفاده از احساسات مذهبی و سوار بر توهما قشری توده های مردم و ارتجاع داخلی و بین المللی توانسته جنبش های دمکراتیک مردمی و ضد امپریالیسم را به شکست بکشاند و نیروهای متشکل و مسلح در سازمان های حکومتی و یا بصورت شبه نظامیان و ظاهراً خودسر را بر سرنوشت مردم مسلط سازد، که در حال حاضر ما نمونه های آنها را از قبیل سپاه پاسداران،

نیروهای انتظامی و نظامی، انصارحزب الله و لباس شخصی ها، داریم.

جنبش های توده ای در نبود تشکل های انقلابی توده ای از سازماندهی و رهبری محروم و عموماً در نیمه راه متوقف شده و یا با شعار های انحرافی و ریاکارانه نیروهای ارتجاعی به شکست کشانده شده اند. حرکات دانشجویی نیز بی تأثیر از این افت و خیزها نبوده و در مقاطعی توانسته خود را در تغییرات سیاسی نشان دهد. درست است که تعدادی از نیروهای دانشگاهی بخصوص دانشجویان در ایجاد و سازماندهی تشکل های انقلابی نقش بسیار مهم و در بعضی موارد تعیین کننده داشته اند. با این حال مهمترین نقش خود را به فراموشی سپرده و نتوانستند تشکل مستقل پایدار دانشجویی را بوجود آورند و از خواسته های صنفی و دمکراتیک خود دفاع نمایند. در وضعیت کنونی وجود تشکل های استوار و مستقل دانشجویی ضامن پیشبرد مبارزات دمکراتیک و حفاظت از نیروهای پیشرو دانشجویی است. بنا بر این برای دستیابی به تشکل های مستقل دانشجویی باید نیروهای آن مورد ارزیابی قرار گیرد. این مهم وظیفه فعالان دانشجویی بخصوص دانشجویان کمونیست و پیشرو است که بررسی و تحلیل جامعی از نیروها و جایگاه دانشجویان ارائه داده و در اختیار جنبش قرار دهند. در اینجا سعی شده بصورت خیلی مختصر به نیروهای مراکز آموزشی اشاره شود.

۱ - نیروهایی که بصورت کادر ثابت و پیمانی و یا حق تدریسی در دانشگاه ها و یا مراکز آموزش عالی در قسمت های هیئت علمی دانشگاه ها، کارمندان و کارکنان و استادان و دستیاران و کارگران مشغول هستند. کارکنان هیئت علمی دانشگاه ها و استادان و کارمندان عالی رتبه از نظر قشر بندی اجتماعی جز افراد مرفه و ممتاز به حساب می آیند. این قشر از کارمندان از نظر موقعیت اجتماعی و اداری به طبقه حاکم نزدیک است و در جهت منافع و آرزوهای طبقه حاکم حرکت می کند، با این وجود در جایگاه تخصصی بطرف آزادی اندیشه کشیده می شود و بدین صورت در حرکات اعتراضی کاملاً با احتیاط وارد می شود. از آنجا که این نیرو علاقه ای به ریسک ندارد، در معادلات سیاسی بعنوان مشاور بنفع رژیم حاکم وارد می شود و با وجود حکومت مذهبی در ایران در بعضی از دروس از قبیل تاریخ و فلسفه و علوم اجتماعی از رژیم مذهبی فاصله می گیرد و در مقاطعی در تضاد ایدئولوژیک قرار می گیرد. کارمندان دون پایه و کارگران از خواسته های دمکراتیک دفاع می کنند و در اعتراضات توده ای با مردم همراه شده و از رژیم فاصله می گیرند.

۲ . دانشجویان : دانشجویان نیروی وسیعی را در مراکز آموزش عالی تشکیل می دهند و از پایگاه های طبقاتی و قشرهای اجتماعی متفاوتی می باشند. جدای از گرایش اجتماعی و تمایلات فردی یک قشر ناپایدار را تشکیل می دهند و در محیط دانشگاهی دارای خواسته های صنفی مشترکی هستند. دانشجویان از نظر رفتارهای اجتماعی و تمایلات سیاسی با هم متفاوت بوده با این حال عموماً از خواسته های دمکراتیک طرفداری می کنند. شرکت دانشجویان در حرکات جمعی بستگی به تمایلات طبقاتی و گرایش ایدئولوژیک آنان است. در حال حاضر نبود نهادهای دمکراتیک در دانشگاه ها و برخورد های ایدئولوژیک نهادهای مذهبی در مراکز آموزشی دانشجویان بخصوص زنان دانشجو در فشار مضاعف قرار دارند.

بعد از یورش جمهوری اسلامی به دانشگاه ها و تعطیلی مراکز

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.**شکنجه و اعدام ملفی باید گردد**

ادامه از صفحه ۳

آموزش عالی، دانشجویان مبارز دستگیر و زندانی و یا اعدام شدند در حقیقت دانشگاه‌ها از نیروهای مخالف و مترقی پاکسازی شد. بعد از بازگشائی دانشگاه‌ها نحوه پذیرش دانشجویان، ترکیب‌های نا همگونی در اقشار مختلف دانشجویی بوجود آورد. پذیرش دانشجویان سهمیه‌ای، تعداد قابل توجهی را به خود اختصاص داد و پذیرش دانشجو غیر سهمیه‌ای عملاً دو مرحله‌ای انجام می‌شود و دانشجویان بعد از امتحان سراسری کنکور باید از فیلتر تحقیق بگذرند. رژیم جمهوری اسلامی با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و از طریق سهمیه‌ها، افراد مورد تأیید و نزدیکان خود را وارد دانشگاه‌ها می‌کند تا بتواند برای مدیریت آینده نهادهای حکومتی افراد خودی را آموزش دهد. در این میان ورود فرزندان طبقه کارگر و زحمتکشان پائین جامعه عموماً با مشکل مواجه شده است. دانشجویانی که بر اساس رابطه نزدیکی با رژیم و به امید آینده بهتر از سیاست‌های رژیم دفاع می‌کنند، در شکل‌های رسمی رژیم وارد می‌شوند و در اعتراضات دانشجویی همسو با منافع جناحی باندهای رژیم وارد می‌شوند. با وجود بحران و بیکاری در جامعه آینده این دانشجویان نیز در پرده ابهام قرار می‌گیرد و علاقه خود به دفاع از باندهای رژیم را کم‌کم از دست می‌دهند.

فشارهای ایدئولوژیک و سیاستهای بسته محیط‌های دانشگاهی و عدم پاسخ‌گویی به مشکلات محیط‌های آموزشی و سوالات ایدئولوژیک، دانشجویان را بشدت از رژیم دور می‌سازد و دانشجویان برای جواب سوالات به سوی ایدئولوژی‌های دیگر کشیده می‌شوند و برای رسیدن به دمکراسی و آزادی و دستاوردهای علمی و تکنولوژی جدید در مقابل روحانیت و رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند.

۳ - دانشجویانی که فارغ‌التحصیل می‌شوند. آینده متفاوتی در انتظارشان است و افرادی که نزدیک به باندهای حکومتی هستند شانس وارد شدن در مراکز اداری و حکومتی برایشان تضمین شده است. بقیه دانشجویان در صورت عدم وجود امکانات مادی و فامیلی در مراکز دولتی و اقتصادی، بعد از اتمام دانشگاه با مشکل روبرو می‌شوند، تعدادی راه دیار فرنگ را در پیش می‌گیرند و افرادی نیز در ادارات و یا شرکت‌ها بعنوان کارمند استخدام شده و تعدادی نیز در نبود بازار کار مناسب به خیل بیکاران می‌پیوندند.

با این خلاصه بر می‌گردیم به حرکات اخیر دانشجویان که با یک شوک (حکم اعدام هاشم آغاچری) وارد مرحله ویژه‌ای شد و بخش وسیعی از دانشجویان از باندهای رژیم جدا شده و نیروی جدیدی در جنبش دانشجویی بوجود آوردند. این روند تکامل یافته‌ی حرکات دهه اخیر است که مبارزات خود را از درون جناح بندی‌های درونی رژیم شروع و در اعتراضات ۱۳۷۸ بشدت سرکوب شد و از سیاست‌های باند دوم خردادی فاصله گرفت که تعدادی از دانشجویان هنوز در زندان‌های رژیم به سر می‌برند.

سال ۱۳۷۸ را می‌توان آغاز یک دوره جدید در جنبش دانشجویی بحساب آورد که با دادن قربانی "ابراهیم نژاد" و زخمی و زندانی، اعتراضات خود را از محیط دانشگاهی به جامعه کشاند و مورد سرکوب مشترک باندهای رژیم قرار گرفت. با ریزش توهم تغییر از بالا بخصوص توسط باند دوم خردادی و حمایت توده‌های مردم از حرکات دانشجویان، این جدائی را از باند دوم خردادی سرعت بخشید و لزوم حرکت

مستقل را در جنبش دانشجویی الزامی ساخت. بعد از سرکوب جنبش دانشجویی در سال ۱۳۷۸ حرکات سیاسی دانشجویان وارد فاز جدیدی شد. حرکات صنفی ادامه یافت و تغییراتی در ساختار دفتر تحکیم وحدت بوجود آمد و دانشجویان از دور و بر این تشکل دور شدند و دفتر تحکیم وحدت تبدیل به اهرم فشار دانشجویی در دست باند دوم خردادی قرار گرفت.

دانشجویان در راه یابی و تدوین برنامه حرکت مستقل، با تماس دیگر نیروها در صدد پایه‌گذاری تشکل مستقل بر می‌آیند و در مقابل انجمن‌های اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، حراست دانشگاه و بسیج دانشجویی موضع می‌گیرند و برای پیش برد جو دمکراتیک در محیط دانشگاهی از طریق طرح شعارهای دمکراتیک دانشجویان پیشرو را متشکل و برای حرکات آتی آماده می‌شوند.

با اعلام حکم اعدام آغاچری به جرم ارتداد خطری جدی بر محیط دانشگاهی و سایر روشنفکران سایه افکند. دانشجویان این بار حساب شده و آگاهانه قدم به مبارزه گذاشتند و طولی نکشید اعتراض دانشجویان تبدیل به جنبش در راه آزادی و دموکراسی شد و اکثر دانشگاه‌های کشور را در بر گرفت. شعار دانشجویان از محکومیت حکم اعدام آغاچری فرا تر رفت. شعارهای دمکراتیک و مترقی از قبیل "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "شکنجه و اعدام ملغا باید گردد" و "آزادی اندیشه، همیشه، همیشه" و مرگ بر استبداد بشدت رواج پیدا کرد و با استقبال دانشجویان و مردم مواجه گردید و هر روز شعارهای دانشجویان رادیکال تر شد و تبدیل به یک رویارویی با کلیت رژیم شد. دانشجویان در این اعتراضات خواستار استعفاي خاتمی و هاشمی و هاشمی شاهرودی شدند و شعار "رهبر برو گمشو" نشان از نفی کلی رژیم شد.

حکم صادره بقدری ارتجاعی بود که افکار بین‌المللی را متوجه دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطائی ساخت و مبنای افشای جنایاتی از این نوع شد که سال‌هاست رژیم جمهوری اسلامی در ایران اجرا می‌کند. در پی اعتراضات دانشجویی و افشا بین‌المللی تمام کاشته‌های رژیم توسط باند خاتمی در نزد افکار عمومی دنیا به باد فنا رفت. ماهیت واقعی مردم سالاری دینی خاتمی با حکم ارتداد، از پشت الفاظ ریاکارانه بیرون افتاد. خاتمی با وحشت از جنبش دانشجویی رو به اعتلا و تبدیل آن به جنبش توده‌ای در صدد مهار جنبش دانشجویی به میدان آمد و روز چهارشنبه به خبرنگاران گفت: "البته می‌توان انتقاد کرد، ولی باید از ایجاد زمینه‌هایی برای سو استفاده برخی از کسانی که اصل جمهوری اسلامی ایران، اصل مردم سالاری دینی و اصل پیشرفت امور را نمی‌خواهند و قبول ندارند، پرهیز شود."

بهبود نبوی که در وحشت دو طرفه، خود را از این حرکت کاملاً جدا می‌کند و چراغ سبز را به باند مقابل نشان می‌دهد و می‌گوید: "معتقدیم هر حرکت غیر قانونی و خشونت آمیز که ممکن است در آینده رخ دهد، محکوم است و هشدار می‌دهیم که این حرکت‌ها ارتباطی به اصلاح طلبان و گروه‌های دوم خردادی ندارد." بهبود نبوی با صراحت و روشنی حرکت دانشجویان را غیر قانونی قلمداد می‌کند و حل مسئله آغاچری را جدا از این حرکت‌ها می‌داند.

خامنه‌ای در حالی که ترس و وحشت تمام وجودش را گرفته شمشیر دو دم را بالای سرش می‌چرخاند و از عاقبت این کار اطرافیان خود را می‌ترساند و با اشاره به سربازان امام زمان، لباس شخصی‌ها و انصار حزب‌الله و تمامی نیروهای نظامی و انتظامی، می‌گوید: "ساز و کار اداره کشور همین است که این سه قوه به وظایف خود عمل کنند، ابزارهای رهبری برای اقدام،

اطلاعیه های سازمان

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست مورخه ۱۶ آبان در باره تحولات اخیر ترکیه اطلاعیه ای با عنوان: "اعطای قدرت به فاشیست های اسلامی ترکیه نشان از هراس امپریالیسم جهانی و بورژوازی غرق در بحران ترکیه" صادر کرد. در قسمتی از اطلاعیه آمده است: "امپریالیسم جهانی و سرمایه داران خون آشام نوکر صفت در ترکیه با بکارگیری بوق و کرنای تبلیغاتی گسترده، پروسه انتقال قدرت را در هراس از وقوع قیام گسترده و انقلاب اجتماعی توده های به ستوه آمده به مرحله اجرا در می آورد و خبر از پیروزی حزب اسلامی افراطی A-K-Party به رهبری Recep Teyyip Erdogan (رجب طیب اردوغان) در مبارزات پارلمانی می دهد و این بار فاشیست های اسلامی را به میدان سرکوب روان می سازد.

چپ انقلابی ترکیه اینک بایستی با پس زدن پرده های توهم و دودلی بیش از هر زمان دیگری در برابر دسیسه های امپریالیسم و بورژوازی داخلی آگاهانه عمل نماید و در جهت سازماندهی عملی توده های ستمکش رسالت تاریخی خود را بجا آورد."

* * * * *

۲۰ آبان ماه در رابطه با حرکات اخیر دانشجویی با عنوان "رمز پیروزی جنبش دانشجویی ایجاد تشکل های مستقل و پیشرو در دانشگاه ها" کمیته کردستان سازمان اطلاعیه ای صادر کرد. در این اطلاعیه خطاب به دانشجویان مبارز و انقلابی آمده است: "با ایجاد تشکل های مستقل و پیشرو در مراکز آموزشی حرکات اعتراضی خود را در مسیر مشخصی سازمان دهید و با طرد و افشا عناصر وابسته به باندهای حاکمیت و اشخاص متوهم و فرصت طلب از صفوف خود سنگرهای علم و دانش را به سنگرهای مقاومت و تهاجم انقلابی تبدیل نمائید و فعالانه در دیگر حرکات اعتراضی و تظاهرات خیابانی شرکت کنید."

* * * * *

در اطلاعیه دیگری در مورخه ۲۲ آبان کمیته کردستان با عنوان: "استقلال فکری، شرط اساسی حرکت مستقل و آزادیخواهانه دانشجویی" چنین آمده است: "شرایط برای جنبش دانشجویی و هم برای جنبش سراسری بسیار حساس و تعیین کننده است، هرگونه توهم نسبت به نقش مخرب عوامل مردد و وابسته به جناح های حاکمیت در درون جنبش دانشجویی عواقب بس خطرناکی برای جنبش دانشجویی و در نهایت تأثیرات مخرب تری برای جنبش سراسری توده ها ببار می آورد.

اینک تنها عامل تعیین کننده و پیش برنده جنبش، توده های فرودست و بخصوص کارگران است. حساسیت دانشجویان دلیر و مبارز در مقطع حساس کنونی، نشان دهنده احساس مسئولیت آنان در قبال ضرورت تغییر نظم حاکم و زندگی اسارت بار کنونی است."

همچنین کمیته کردستان خطاب به دانشجویان آگاه و مبارز آورده است: "برای تضمین تداوم حرکت انقلابی تان و به منظور گسترش آن و جلب حمایت توده های ستمدیده مردم با شناخت دقیق شرایط حساس کنونی و با طرد عناصر مردد و وابسته در تشکل های وابسته به باندهای حکومتی از صفوف خود، تشکل های مستقل و پیشرو دانشجویی را ایجاد نمائید."

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

اینهاست، البته اگر قوای سه گانه نتوانند، نخواهند و نکنند، آن وقت مواجه شدن با این مشکلات، با نیروی خود مردم خواهد بود، که امیدوارم هیچ وقت پیش نیاید که رهبری احساس کند که باید نیروی مردم را وارد میدان کند برای اینکه مشکلی را بر طرف کند یا کار بزرگی را تحقق بخشد، بهترین کار استفاده از همین مجاری قانونی است. وضعیت درونی رژیم آنقدرها اسفناک است که خامنه ای نیز اعتمادی به نیرو های تحت امر خود ندارد و صحبت از کشاندن نیروی نظامی شبه نظامی و حزب الهی برای سرکوب جنبش دانشجویی به میان می آورد. متعاقب موضع گیری خامنه ای، نیروهای اوباش و لباس شخصی ها و انصار حزب الله، بسیج دانشجویی تحت حمایت نیروی انتظامی تهاجم خود را بر علیه دانشجویان شروع کردند. نیروهای حزب اللهی به سردستگی حسین اله کرم سردار پاسدار و دارای دکترای تاریخ بعد از نماز جمعه ۲۴ آبان ماه در خیابان های تهران دست به راهپیمائی زدند و ضمن حمایت از سخنان خامنه ای خواهان اعدام هاشم آغاچری شدند. یورش نیروهای رژیم علیه دانشجویان شدت گرفت در تاریخ ۲۴ آبان دانشجویان دانشگاه های شیراز و علوم پزشکی در اطلاعیه ای اعلام کردند: افراد لباس شخصی برخی از دانشجویان و مسئولین انتظامات دانشجویی را مورد ضرب و شتم قرار داده و همچنین دو تن از دانش آموزانی که با مراسم همکاری داشتند ربودند. همچنین حدود ۵۰۰۰ دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف را با ایجاد سد معبر با اتوبوس های شرکت واحد، توسط پاسداران و بسیج و انصار حزب اله و مأموران انتظامی و اطلاعاتی به محاصره در آمدند. دانشجویان در دانشگاه اهواز مورد ضرب و شتم نیروهای رژیم قرار گرفتند و تعدادی زخمی و ده ها نفر دستگیر شدند.

رژیم در صدد است که اعتراضات دانشجویی را مهار و از ادامه و سرایت آن به دیگر اقشار مردم جلوگیری کند و سعی دارد با آوردن گروه های فشار "انصار حزب اله، بسیج و . . . به خیابان ها به دستگیری و شناسائی دانشجویان روشنفکر و مبارز پرداخته و جنبش دانشجویی را به شکست بکشاند.

با توجه به اهداف شناخته شده رژیم تنها راه مقابله با تهاجم گسترده، اتحاد و همبستگی دانشجویان و ایجاد تشکل های مستقل دانشجویی فراگیر توسط دانشجویان کمونیست و پیشگامان جنبش دانشجویی و تبدیل جنبش دانشجویی به جنبش مردمی با طرح، مبارزه جدی در راه الفبا هرگونه شکنجه و اعدام و برای کسب آزادی اندیشه و قلم و آزادی کلیه زندانیان سیاسی است.



اخبار داخلی**حفاظت سپاه، کنسولگری و شهرام جزایری در رابطه با فروش دختران**

بدون شرح

شهرام جزایری در دادگاه گفته است: "در کار انتقال دوشیزگان جوان و زیبا به شیخ نشین های خلیج فارس تنها نبودم کار یکی از شرکت های من در دبی بازاریابی برای این دختران و فروش آنها به صورت موقت و یا دائم به پولدارهایی بود که گاه یکصد هزار دلار برای یک باکره ۱۶ ساله می دادند... آقای ناصر شریک من بود ما دلالت و دلاله هائی داشتیم که در شهرهای مختلف ایران از جمله شهرهای خراسان، دختران فقیر را به دام می انداختند. آنها را به شیراز می بردیم و اول من و ناصر خان و بعضی دیگر از دوستان تصرف شان می کردیم. خانم... را که از هنرپیشه های قدیمی است با ماهی یک میلیون تومان استخدام کرده بودیم که آنها را آموزش دهد و فنون عشوه گری و طنز و نشست و برخاست با بزرگان را به آنها یاد دهد. آموزش که تمام می شد این دختران را به شیخ نشین ها تحویل می دادیم و آنجا یکی از شرکای ما بقیه کارها را دنبال می کرد."

شهرام جزایری در بخش دیگری از اعترافات می گوید: "یکی از این دختران با یک شیخ صاحب نام و قدرتمند رفیق شد، هر بار او را می دیدیم اطلاعات مهمی به ما می داد که ما آنها ضمن هماهنگی کامل با حفاظت سپاه، در اختیار یکی از برادران که در کنسولگری در دبی مأمور بود می گذاشتیم."

* * * * *

اجرای حکم ارتداد در مریوان

رژیم جمهوری اسلامی در پی سیاستهای غارتگرانه مردم سالاری دینی به اقدامات ضد انسانی ادامه می دهد و هر روز خون انسان های آزاده ای را در زندان ها و یا ترور در خیابان و کوچه به زمین می ریزد.

بنا به اطلاعیه سه شنبه ۱۴ آبان کومه له یکی از پیشمرگان آن سازمان بنام مصطفی جولا و فرد دیگری بنام علی کاک جلیل اهل روستای بلچه سوار مریوان، در زندان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر به اتهام توهین به "مقدسات" بدون باز جویی و محاکمه توسط مزدوران جمهوری اسلامی به جوخه های اعدام سپرده شدند.

بنا به گزارش های دریافتی رژیم در صدد است تعدادی از زندانیان سیاسی را به جرم ارتداد به جوخه های اعدام بسپارد. حکم ارتداد آغازی و اعتراضات اخیر دانشجویان و افشای سیاست های قرون وسطائی، رژیم جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده است. با اعتراضات و افشاگری های بی امان از اقدامات ضد انسانی رژیم جلوگیری کنیم و سیاست ضد انسانی رژیم را به ضد خود تبدیل نماییم.

* * * * *

کامران فرمانده پناهند ایرانی در ترکیه خودکشی کرد

کامران فرمانده ۳۲ ساله مقیم اسکی شهر ترکیه روز یکشنبه ۳ نوامبر در اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی UN بلا استفاده از سم بسیار قوی اقدام به خودکشی کرد و روز دوشنبه ۱۸ نوامبر در بیمارستان اسکی شهر جان باخت.

به دعوت شورای هماهنگی نیروهای کمونیست و چپ اصلاحی روز چهارشنبه ۱۳ نوامبر آکسیون در حمایت از حقوق پناهندگان ایرانی در ترکیه در برابر دفتر سازمان ملل در استکهلم برگزار گردید و نسبت به برخورد UN مستقر در ترکیه در مورد پناهندگان ایرانی شدیداً اعتراض به عمل آمد. شورای هماهنگی نیروهای کمونیست و چپ در نامه ای، سیاست های سخت گیرانه دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی "ترکیه" محکوم شده و با اشاره به خودکشی کامران فرمانده در عدم پذیرش درخواست پناهندگی، آورده است: "گروهی از پناهجویان ایرانی متشکل از ۷ خانواده که تعدادی زن و کودک در میان آنان است وضعیت مشابهی دارند و اعلام کرده اند که در اعتراض به تصمیم کمیساریای عالی سازمان ملل در ترکیه یکی بعد از دیگری دست به خودکشی خواهند زد و ترجیح می دهند که در ترکیه بمیرند تا بدست جانیان جمهوری اسلامی اسیر نشوند."

* * * * *

اخبار کارگری**دو نفر از کارگران دست به خودکشی زدند**

۲۱ آبان ماه کارگران ریسندگی مپاران اصفهان برای چندمین بار در محل استانداری اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران این کارخانه حدود یک سال است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

یکی از کارگران به خبرنگاران از مشکلات کارگران گفته و اضافه می کند که: "دو نفر از کارگران در چند ماه گذشته به علت مشکلات مالی دست به خودکشی زده اند و دونفر دیگر از خانه فرار کرده و سه خانواده نیز منجر به جدائی شده اند."

نشریات کارکمونیستی، ریکای که ل، جهان کمونیستی و آخرین اطلاعیه های سازمان را از آدرس غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se